



بررسی‌ها و مطالعات زبان‌ها و فرهنگ ایرانی باستان و ایرانی میانه و زبان فارسی نو در چک

مهدی مشکوة‌الدینی (دانشگاه فردوسی مشهد)

آغاز مطالعات فارسی در چک و گسترش آن

جاذبه افسونگر زبان فارسی، طی قرن‌های پیاپی، در خاور و باختر جهان به اندیشه‌مندان و پژوهشگران زبان فارسی شور و انگیزه دیگری بخشیده است. در طول قرن‌های گذشته، در آسیا و اروپا و امریکا، پژوهشگران بسیاری به مطالعات زبان فارسی پرداخته‌اند و به اندیشه‌های ژرف نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی به دیده تحسین نگریسته‌اند.

در سرزمین چک و شهر پراگ نیز، زبان فارسی پرتوافکن شده و محققان را جلب کرده است. در این سرزمین، در آغاز قرن دهم میلادی، طلیعه آشنایی با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی پدیدار گشت. از همان زمان، در جای جای نوشته‌های مسیحی و آثار ادبی و تاریخی چک، درباره زبان و فرهنگ ایران باستان و نیز ایران اسلامی و برخی آثار مکتوب مربوط به آنها گزارش‌ها و تفسیرهایی بر جای مانده است. از آن میان، به ویژه به ترجمه بخش‌هایی از آثار دانشمندان ایرانی از جمله قانون ابن سینا و نقل آراء فلسفی او همچنین ترجمه برخی داستان‌های ایرانی به زبان چک می‌توان اشاره کرد.

(Bečka 1996a, p. 143)

به ویژه از دو دهه پایانی قرن نوزدهم، بررسی‌های پژوهشگران چک درباره فرهنگ و

زبان‌های ایرانی و زبان فارسی نو آغاز شد و، از همان زمان، در دو حوزه یادشده ادامه یافت. مطالعات در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه معمولاً بخشی از زبان‌شناسی تطبیقی زبان‌های هند و اروپایی شمرده می‌شد، در حالی که پژوهش درباره زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در حوزه گسترده فرهنگ اسلامی جای داشت.

مطالعات زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه و فرهنگ ایرانی دوران میانه

بررسی زبان‌های ایرانی باستان، در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و سال‌های آغازی قرن بیستم، نخست در دانشگاه چارلز سپس در مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری چک در پراگ، تنها به عنوان مطالعات جانبی در زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی زبان‌های هند و اروپایی مورد توجه قرار گرفت. زبان‌های ایرانی باستان به عنوان بخشی از زبان‌های هند و اروپایی از جمله زبان سنسکریت مطالعه می‌شد. پژوهشگران چک، در زمینه زبان‌های ایرانی باستان، آثار کم و بیش شایان توجهی پدید آوردند. از آن میان، رودلف دُورژاک^۱ (۱۸۶۰-۱۹۲۰)، هرچند به زبان‌های ایرانی باستان توجه چندانی نشان نمی‌داد، مقاله‌ای پرمایه با عنوان «ایران»، در دانشنامه اوتو^۲ به زبان چک نوشت و، در آن، تحول زبان‌های ایرانی باستان را به جامعه علمی چک شناساند و نخستین بار توصیفی به زبان چک از زبان فارسی میانه ارائه کرد.

پژوهشگر دیگری به نام یوسف زوبتی^۳ (۱۸۵۵-۱۹۳۱)، در خلال مطالعات زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی خود، به بررسی زبان‌های اوستایی و فارسی باستان پرداخت و این زبان‌ها را آموزش داد. (Czechoslovak Academy of Sciences 1967, p. 54)

مطالعات و آموزش زبان‌های ایرانی باستان از سال ۱۹۱۸، که هندشناسی به عنوان رشته تحصیلی اصلی در دانشگاه چارلز دایر شد، گسترش بیشتری یافت. اما این مطالعات هنوز تنها بخش کوچکی بود از تحقیقات در حوزه زبان‌شناسی تاریخی هندی؛ چنان‌که وینسنتس لسنی^۴ (۱۸۸۲-۱۹۵۳)، در عین مطالعه و آموزش زبان‌های اوستایی و فارسی باستان، به عنوان پژوهشگر زبان هندی، بر مطالعه و آموزش زبان سنسکریت و زبان‌های هندی نو تأکید می‌نهاد.

1) Rudolf Dvořák

2) *Otto's Encyclopedia*

3) Josef Zubařý

4) Vincenc Lesný

فرانتیشک کواژز^۵ (تولد: ۱۸۸۸) بر پایه مطالعات تطبیقی ادیان و مطالب ترجمه شده از دیگر زبان‌ها، در کتاب خود با عنوان باورهای مربوط به روزهای پایان جهان و انسان در نوشته‌های فارسی و یهودی (۱۹۲۲)، عقاید دینی در ایران باستان به ویژه رستاخیز پس از مرگ را بررسی کرد. اوتاکار پرتولد^۶ درباره آیین زردشتی تحقیق کرد. در همان اوان، یوستین واتسلاو پراشک^۷ (۱۸۵۳-۱۹۲۴) محقق برجسته تاریخ ایران باستان، علاوه بر رساله‌هایی چند، تاریخ مفصلی با عنوان تاریخ ماد و ایرانیان تا پیروزی مقدونی در دو جلد منتشر کرد، که شهرت یافت. پژوهشگر دیگری به نام دو شان زبوتیل^۸ (تولد: ۱۹۲۵)، در رساله‌ای، ویژگی‌های فعل در گائاهای (گاهان) اوستا را توصیف کرد. همچنین، میلوش بورئسکی^۹ (تولد: ۱۹۰۳) به بررسی‌های تاریخی زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه رونق بیشتری بخشید. وی اثر مفصل و با ارزشی با عنوان جمله اسمی در متن‌های ایرانی باستان پدید آورد. (← بچکا ۱۳۷۵، ص ۵؛ 54-55, pp. 1967, Czechoslovak Academy of Sciences)

از سال ۱۹۵۲، که مؤسسه شرق‌شناسی زیر پوشش فرهنگستان علوم چکسلواکی قرار گرفت، برای مطالعات زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه شرایط بهتری فراهم آمد. در سه دهه پس از آن، اوتاکار کلیما^{۱۰} (۱۹۰۹-۱۹۸۰) یگانه پژوهشگر برجسته‌ای بود که به بررسی زبان‌شناسی تاریخی و فرهنگ ایران پیش از اسلام پرداخت. وی در مطالعات زبان‌های ایرانی میانه، به ویژه بررسی زبان پهلوی، در چک پیشرو شناخته می‌شود. پیش از او زبان پهلوی در چک بررسی نشده بود. کلیما، پس از پیوستن به مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم چکسلواکی، به مطالعه زبان پهلوی و تاریخ ایران پیش از اسلام مبادرت کرد. او در زمینه فرهنگ ایران پیش از اسلام از جمله آیین‌های زردشتی، مزدکی و مانوی تحقیقاتی انجام داد و آثار با ارزشی پدید آورد؛ بخش‌های ترجمه شده اوستا در آثار فارسی میانه را به زبان چک ترجمه و منتشر کرد؛ همچنین به تحلیل مهم‌ترین پدیده‌های جامعه ایران باستان روی آورد. او در دو کتاب مزدک، تاریخ جنبش اجتماعی در دوره ساسانیان و عصر و زندگی مانی، در پرتو نگرش‌های نو، به تحلیل مهم‌ترین حوادث جامعه ایران باستان و ظهور شخصیت‌های ممتاز و شکل‌گیری آموزش‌های آنان در محیط‌های اجتماعی خاص دست زد. آثار او مطالعه رو به گسترش

5) František Kovář

6) Otakar Perold

7) Justin Václav Prásek

8) Dušan Zbavířel

9) Miloš Borecký

10) Otakar Klíma

جنبش‌ها و آیین‌های ایرانی باستان در چکسلواکی را موجب شد. وی پیش و پس از دو رساله یاد شده، طی مقاله‌ها و نقدهایی، آراء زبان‌شناختی خود را درباره زبان‌های ایرانی میانه بیان کرد. همچنین در تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی (۱۹۵۶) به کوشش یان ریپکا^{۱۱} (۱۸۸۶-۱۹۶۸)، مقدمه جامع و پرمایه‌ای درباره ادبیات فارسی پیش از اسلام نوشت. از وی زرتشت (۱۹۶۴) و شماری مقاله درباره فرهنگ ایران باستان در مجله نووی اورینت^{۱۲} (شرق نو) (پراگ) منتشر شد. او همچنین نخستین ترجمه‌های خود از متون پهلوی را در همین مجله منتشر ساخت. شکوه و سقوط ایران باستان (پراگ ۱۹۷۷) از آثار اواخر عمر اوست. (→ Czechoslovak Academy of Sciences 1967, pp. 54-56)

در پایان این بخش از مطالعات، تحقیق در نام‌های خاص ایرانی سنگنبشته‌های یونانی در ناحیه پونتوس^{۱۳} را نیز می‌توان یادآور شد. محققان اروپایی، از پیش، بر آن بودند که بسیاری از نام‌های خاص در سنگنبشته‌های یاد شده از اصل ایرانی هستند. لادیسلاو زگوستا^{۱۴} (تولد: ۱۹۲۴) موفق شد در میان این سنگنبشته‌ها نام‌های سکایی باستان و سرمتی را بازشناسد. وی، در رساله‌ای، چگونگی بررسی نام‌های خاص در سنگنبشته‌های کرانه‌های شمالی دریای سیاه را مدون ساخت (→ Cz.A.S. 1967, p. 56). زبان سکایی زبان قبایل سکایی و سرمتی بوده است که از قرن‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد تا قرن‌های چهارم و پنجم میلادی در آن صفحات ساکن بودند. مطالعات در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه نیز در مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری چک و دانشگاه چارلز در پراگ تاکنون ادامه یافته است.

مطالعات در زبان و ادبیات فارسی نو

پژوهشگران چک از اواخر قرن چهاردهم تا قرن هفدهم میلادی، از راه ترجمه بخش‌هایی از آثار دانشمندان ایرانی به ویژه ابوعلی سینا و محمد زکریای رازی و ابومعشر بلخی به زبان چک، به تدریج با دانش‌های پزشکی و فلسفه و ستاره‌شناسی در ایران آشنا شدند. آنان، پیش‌تر، از راه مطالعه آثار تاریخ‌نویسان و جهانگردان یونانی و رومی از جمله

11) Jan Rypka

12) *Novy Orient*

۱۳) Pontus، نام قدیم ناحیه‌ای در آسیای صغیر در کرانه دریای سیاه.

14) Ladislav Zgusta

هرودت، با ایران باستان آشنا بودند. همچنین، در آغاز قرن چهاردهم، اودوریکوس بوهیموس^{۱۵} به ایران سفر کرد و در بازگشت درباره این سفر گزارشی منتشر ساخت. با این حال، پژوهشگران چک از نیمه دوم قرن هجدهم بود که جدّاً به مطالعه و بررسی آثار ادبی فارسی پرداختند. در این زمان، رُزنتسوايگ^{۱۶}، از شهر برنو^{۱۷} در جنوب شرقی چک، بخش‌هایی از آثار جامی و حافظ و مولوی را ترجمه و منتشر کرد. پس از آن، در سال ۱۸۴۶، یان رُشنايدر^{۱۸} آثار ادبی فارسی دیگری از جمله انوار سهیلی را به زبان چک برگرداند. همچنین پژوهشگر دیگری به نام یوسف براندیس^{۱۹} (وفات: ۱۸۷۶) اشعار جامی را به زبان چک ترجمه کرد.

یارومیر کُشوت^{۲۰} (۱۸۵۴-۱۸۸۰)، شرق‌شناس مشهور چک، در سال ۱۸۷۵، در دانشکده فلسفه دانشگاه لایپزیک، به مطالعات اسلامی و زبان‌های فارسی و ترکی و هندی و چینی پرداخت و، در سال ۱۸۷۸، از پایان نامه دکتری خود درباره بخشی از الانصاف فی مسائل الخلاف بین البصرین و الکوفین ابن الانباری دفاع کرد. وی، در پرتو امتیاز علمی همین پایان‌نامه، در سال ۱۸۷۹، به کسب درجه دانشجویی دانشگاه پراگ نایل شد. کُشوت، ضمن آموزش زبان چینی، آموزش و نیز مطالعات زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه چارلز را آغاز کرد و در نوشته‌های خود به معرفی آثار و اندیشه‌های شاعران بزرگ ایرانی به ویژه خیام و حافظ و مولوی پرداخت. وی در مطالعات شرق‌شناسی شاخص شد و در حوزه مطالعات فارسی به ویژه شعر حافظ سرشناس گردید. او، با همکاری یاروسلاو ورخلیتسکی^{۲۱}، شاعر معروف چک، گلچینی از اشعار حافظ را به زبان چک برگرداند و، به یاری همین شاعر، آنها را به نظم درآورد که، پس از مرگ او، به کوشش شاگردش رودلف دورژاک و همراه با یادداشت‌های توضیحی او، تحت عنوان از دیوان حافظ چاپ و منتشر شد. این کتاب ۶۶ غزل، ۱۴ پاره از مقطعات، ۵۳ رباعی، دو قطعه از «معنی‌نامه» و نیز «ساقی‌نامه» را شامل است. ورخلیتسکی، در مقدمه، از درگذشت زودهنگام کُشوت اظهار تأسف و ضمناً ابراز امیدواری می‌کند که این کتاب عشق به شعر شرقی را، که در کشور چک خفته بوده، بیدار سازد. (← Bečka 1996b, p. 79)

15) Odoricus Bohemus

16) V. Rozenzweig

17) Brno

18) Jan Roschneider

19) Josef Brandejs

20) Jaromír Kóšut

21) Jaroslav Vrchlický

پس از کُشوت، دُورژاک به آموزش زبان و ادبیات فارسی ادامه داد. وی در حوزه ادبیات فارسی آثاری از خود بر جای نهاد. از میان شاگردان دُورژاک، چند پژوهشگر برجسته آثار باارزشی به زبان چک پدید آوردند. از جمله، یارومیر بورژسکی^{۲۲} بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام را به زبان چک برگرداند. میلوش بورژسکی، فرزند یارومیر بورژسکی، نیز، که پیش‌تر به بررسی زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه می‌پرداخت و در آن زمینه آثار با ارزشی پدید آورده بود، بعداً، همراه با یان ریپکا، به مطالعه زبان فارسی نو پرداخت و به طور مستقل رساله‌ای درباره عمر خیام منتشر کرد و، در آن، دانش و درک استوار خود در پرتو روش زبان‌شناختی از ادبیات فارسی را نشان داد. همچنین، اینتلیخِر^{۲۳} گلستان سعدی را ترجمه و منتشر کرد.

(Bečka 1996b, pp. 4-5)

فلیکس تاور^{۲۴} (تولد: ۱۸۹۳)، برجسته‌ترین شاگرد دُورژاک و متخصص بزرگ مطالعات عربی و استاد دانشگاه چارلز پراگ، ظفرنامه نظام‌الدین شامی را تصحیح کرد که برای بررسی عصر تیمور در تاریخ ایران منبع معتبری است. همچنین مجموعه اسناد شرقی^{۲۵} (۱۹۳۱ و ۱۹۳۲)، حاصل تفحصات او در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه‌های استانبول، برای بررسی تاریخ ایران منبع ارزشمندی است. تاور، به عنوان متخصص تاریخ سلسله تیموری، این دوره از تاریخ ایران و آسیای مرکزی را در چند مقاله و نیز در مجموعه‌ای شامل آثار عمده، به ویژه پنج رساله حافظ ابرو درباره تاریخ ایران در زمان تیمور لنگ (۱۹۵۹)، بررسی کرده است. (Cz.A.S. 1967, pp. 59-60)

یان ریپکا، محقق برجسته ادبیات ترکی و فارسی، در دانشگاه وین تحصیل کرد و، پس از سفر مطالعاتی به استانبول و بازگشت به چک، در دانشگاه چارلز پراگ به آموزش و پژوهش اشتغال یافت. وی، ابتدا، به مطالعه ادبیات ترکی پرداخت اما بعداً توجهش به ادبیات فارسی معطوف شد. وی، با همکاری هلموت ریتر^{۲۶}، هفت پیکر نظامی را تصحیح و منتشر کرد (۱۹۳۴). کتاب مفصل و به یاد ماندنی تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی (۱۹۵۶) حاصل ارزشمند تحقیقات اوست که به حق جایزه دولتی دریافت کرد. این کتاب به برخی از زبان‌های اروپایی و نیز به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است (← ریپکا ۱۳۵۴). ریپکا

22) Jaromir Borecký

23) J. Entlicher

24) Felix Tauer

25) Archi v Orientalni

26) Hellmut Ritter

مقاله‌های متعددی نیز درباره زندگی مردم ایران در دوران گذشته و دوران کنونی نوشت و مشاهداتش را در سفر به ایران در کتاب دل‌انگیز زائر ایران (۱۹۴۷) توصیف کرد. وی همچنین، با همکاری عده‌ای از شاعران برجسته چک، آثار منظوم فارسی از جمله شاهنامه فردوسی، رباعیات خیام و هفت پیکر نظامی را به زبان چک برگرداند و منتشر کرد (Rypka 1951). این ترجمه‌ها به ویژه خوانندگان چک را با شاعر مورد علاقه او، نظامی، آشنا ساخت.

ریپکا، هم در وطن خود و هم در خارج از آن، با ارج بسیار مورد توجه بود. او جوایز ادبی متعددی دریافت کرد و در بسیاری از انجمن‌های علمی عضویت یافت. وی، از سال ۱۹۵۲، به عضویت فرهنگستان علوم چکسلواکی درآمد. بیشتر اعضای مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم چکسلواکی که در حوزه زبان و ادبیات فارسی تخصص داشتند، در مطالعات خود، از او پیروی می‌کردند. (Cz.A.S. 1967, pp. 57-58)

شاگردان تاور و ریپکا به ادبیات معاصر فارسی نیز پرداختند. از جمله ویرا استیوینوا - کوبیچکوا^{۲۷} (تولد: ۱۹۱۸) به ادبیات فارسی در قرن بیستم توجه کرد. وی، پس از انتشار رساله‌ای درباره قآنی (۱۹۵۴) که در آن اصول نقد ادبی جدید را برای ارزیابی اشعار این شخصیت ادبی به کار بست، موفقیت خود را به عنوان مترجم آثار ادبی متقدم فارسی به زبان چک نیز به اثبات رساند. ترجمه‌های او از رباعیات برگزیده صوفیانه فارسی (۱۹۴۸)، بخش‌هایی از گلستان و بوستان سعدی، داستان زال و رودابه از شاهنامه فردوسی، و غزل‌هایی از حافظ درخور توجه است. کوبیچکوا به بررسی احوال و آثار نویسندگان برجسته معاصر ایران به ویژه محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت و صادق چوبک نیز پرداخت. وی درباره صادق هدایت چندین مقاله نوشت و برخی از داستان‌های او از جمله «سه قطره خون» را به زبان چک ترجمه کرد (۱۹۶۴). در آثار کوبیچکوا، احساس لطیف هنری او به خوبی نمایان است. همین احساس او را برانگیخت که هنر ایرانی به ویژه مینیاتور متقدم را نیز بررسی کند. وی بررسی‌هایش در این زمینه را با نمونه‌هایی از آفرینش‌های بسیار برجسته نقاشان ایرانی همراه کرد و در رساله‌ای منتشر ساخت. همچنین، برای ویرایش جدید بعدی تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی ریپکا، فصل مشبعی درباره ادبیات فارسی در قرن بیستم نوشت.

27) Věra Střivínová-Kubičková

دکتر یوسف شتیبتر^{۲۸}، پزشک چک، نیز برخی از رباعیات خیام را بر پایه ترجمه فیتزجرالد^{۲۹} (۱۸۰۹-۱۸۸۳) سپس بخش گسترده‌تری از رباعیات خیام را مستقیماً از فارسی به زبان چک ترجمه و منتشر کرد (۱۹۲۱)، که سه بار تجدید چاپ شد. همچنین، ییژی کرامسکی^{۳۰} (تولد: ۱۹۱۳) به بررسی آواشناسی و واج‌شناسی زبان فارسی کنونی پرداخت و چند مقاله در این زمینه نوشت. (→ Bečka 1996b, pp. 4-6; Cz.A.S., p. 58).
دیگر پژوهشگر برجسته معاصر، ییژی بیچکا^{۳۱} (تولد: ۱۹۱۵)، نخست به مطالعه زبان و ادبیات فارسی تاجیکی مبادرت و، در ویرایش دوم تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی ریپکا، بررسی کامل ادبیات تاجیکی را در فصل جداگانه‌ای ارائه کرد. این فصل، در تحریر آلمانی تاریخ ادبیات ریپکا، علاقه‌مندان را در مقیاس جهانی با ادبیات یکی از ملل فارسی‌زبان اتحاد جماهیر شوروی سابق یعنی با ادبیات تاجیکی، که کمتر مورد توجه قرار گرفته بود، آشنا ساخت. همچنین، بیچکا نخستین کسی در کشور چک بود که مطالعات ادبیات تاجیکی را با مطالعات ادبیات افغانی پیوند داد. وی قطعاتی از اشعار جامی و گزیده‌ای از مثنوی مولوی را به زبان چک ترجمه کرد و، با همکاری یوسف هیرشال^{۳۲}، شاعر چک، آنها را به نظم درآورد و منتشر ساخت. او همچنین، مجموعه‌ای از واژه‌های فارسی و تاجیکی و افغانی را گردآوری کرد که سپس مهدی مشکوة‌الدینی، استاد مهمان زبان فارسی در دانشگاه چارلز پراگ، و دو تن همکار دیگر آن را بررسی و بازنویسی و به صورت فرهنگ فارسی-چکی تدوین کردند و این فرهنگ در سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ منتشر شد.
همچنین اوا استولبوا^{۳۳} (تولد: ۱۹۳۵) زبان فارسی تاجیکی و فارسی ایرانی را مطالعه کرد. وی متن‌هایی را از زبان فارسی به زبان چک برگرداند. حوزه اصلی مورد علاقه او رویدادهای سیاسی و اقتصادی ایران جدید، شیوه‌های زندگی، نگرش‌های نو و تلاش شخصیت‌های پیشرو برای آینده این کشور بود. او تاکنون چند ترجمه از برخی متن‌های فارسی در حوزه‌های یادشده و چندین مقاله کوتاه در موضوع‌های سیاسی و اقتصادی ایران منتشر کرده است.
در همین زمان، ییژی تسپیک^{۳۴} (تولد: ۱۹۲۱) به فرهنگ و ادبیات قومی ایران توجه

28) Josef Štybtr

29) Edward Fitzgerald

30) Jiří Krámský

31) Jiří Bečka

32) Josef Hirašal

33) Eva Stolbová

34) Jiří Čejpek

و علاقه نشان داد. وی بخش‌هایی از ادبیات قومی ایران را به زبان چک ترجمه کرد. تسپیک آثاری در دستور زبان فارسی ایرانی و تاجیکی نیز پدید آورد. وی در تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی ریپکا نیز، بررسی شایان توجه و، به لحاظ جهانی، مهمی درباره ادبیات قومی ایرانی انجام داد. او سپس این بررسی را در مقیاس زمانی وسیع‌تری تکمیل کرد که در دومین ویرایش تاریخ ادبیات مذکور درج شد. وی در حوزه هنر و ادبیات ایران نیز چندین مقاله نوشت. (Cz.A.S. 1967, p. 59)

منصور شکی (۱۹۱۶-۲۰۰۰) پژوهشگر ایرانی، که در دانشگاه چارلز پراگ تدریس می‌کرد، به آواشناسی و دستور زبان فارسی نو و همچنین به تاریخ جنبش‌های دوران میانه از جمله جنبش مزدک و نیز به تاریخ سیاسی معاصر ایران و حتی به هنر ایرانی علاقه و توجه خاص نشان داد. شکی مقالاتی درباره آواشناسی و نیز اصطلاحات فارسی نو نگاشت. وی همچنین کتابی حاوی اصطلاحات و عبارات مکالمه‌ای فارسی کنونی و برابره‌های آنها به زبان‌های چک و انگلیسی تألیف و منتشر کرد.^{۳۵} وی بعداً به زبان فارسی میانه، مخصوصاً مسائل حقوقی و فلسفی آن، پرداخت و مقالات با ارزشی در این زمینه نوشت.^{۳۶}

یان مارک^{۳۷} (تولد: ۱۹۳۱) به حوزه مطالعات اردو و فارسی توجه نمود. وی برای مطالعه زبان اردو و فرهنگ مسلمانان هند به دانش کافی از زبان فارسی نیاز داشت. از این رو، علاوه بر زبان اردو، بر زبان فارسی تسلط یافت. در ویرایش دوم تاریخ ادبیات فارسی و تاجیکی ریپکا، مطالعه و بررسی ادبیات فارسی در هند به وی واگذار شد. او در دانشگاه چارلز پراگ به تدریس زبان‌های اردو و فارسی اشتغال داشت.

روڈلف وِسلِی^{۳۸} (تولد: ۱۹۳۱)، استاد دیگر دانشگاه چارلز پراگ، علاوه بر تدریس زبان عربی، به بررسی و آموزش ادبیات کلاسیک فارسی به ویژه اشعار حافظ روی آورد. در سه دهه اخیر، بیژری اُسوالد^{۳۹} (وفات: ۱۹۹۹) نیز به تدریس زبان فارسی در دانشگاه چارلز پراگ اشتغال داشت. وی، پیش‌تر، مدتی را در ایران گذرانده بود.

35) *A Modern Persian Phrase-Book*, Prague 1963.

۳۶) ← صادقی، علی اشرف، «دکتر منصور شکی» (سرمقاله)، نامه فرهنگستان، سال چهارم، شماره چهارم (مسلسل ۱۶)، آذر ۱۳۷۹، ص ۲-۵.

37) Jan Marek

38) Rudolf Vesely

39) Jiří Oswald

بررسی‌ها و مطالعات زبان و ادبیات فارسی، به عنوان حوزه‌ای ممتاز و پررؤیا و افسونگر و در عین حال پویا، همچنان در کشور چک در جریان است.

منابع

بچکا، بیژری (۱۳۷۵)، مطالعات ایران‌شناسی در چک و اسلواک (گزیده متن چکی)، مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری چک، پراگ.
ریپکا، یان (۱۳۵۴)، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، ترجمه عیسی شهابی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

Běčka, Jiří (1996a), *Iranica Bohemica et Slovaca Litterae*, Akademie Věd České republiky Orientální ústav, Praha 1996.

— (1996b), *Jaromír rKošut 1854-1880*. Studies in Near Eastern Languages and Literatures, Memorial Volume of Karel Setrářek, Prague 1996.

Czechoslovak Academy of Sciences, Oriental Institute (1967), *Asian and African Studies in Czechoslovakia*, "NAUKA" Publishing House, Central Department of Oriental Literature, Moscow.

Rypka, J. (1951), "Les sept princesses de Nizhami", *L'âme de l'Iran*, Paris, pp. 99-126.

